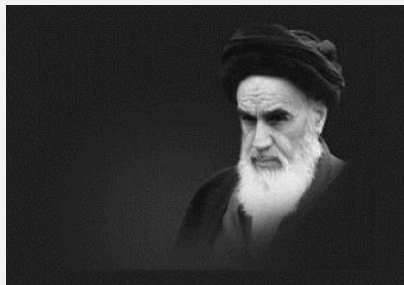


مردی که مصداق تحقق وعده‌های الهی بود



یکی از ویژگی‌های مهمی که شخصیت حضرت امام را برای ما و همه تاریخ برجسته می‌کند تحقق وعده‌های الهی در مورد ایشان است؛ طبق روایتی که مرحوم مجلسی می‌کنند خود ایشان یکی از وعده‌های الهی بودند.

یکی از ویژگی‌های مهمی که شخصیت حضرت امام را برای ما و همه تاریخ برجسته می‌کند تحقق وعده‌های الهی در مورد ایشان است؛ طبق روایتی که مرحوم مجلسی می‌کنند خود ایشان یکی از وعده‌های الهی بودند.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه_ابوالفضل ابراهیمی*: امام خمینی (ره) شخصیت بی نظیری است که به استثنای اهل بیت علیهم السلام شاید فردی به جامعیت ایشان در طول اسلام به تعداد انگشتان دست متولد نشده باشد.

یکی از ویژگی‌های مهمی که شخصیت حضرت امام را برای ما و همه تاریخ برجسته می‌کند تحقق وعده‌های الهی در مورد ایشان است و شاید طبق روایتی که مرحوم مجلسی در بحار الانوار نقل می‌کنند خود ایشان یکی از وعده‌های الهی بودند.

مرحوم مجلسی با سند خود از امام موسی بن جعفر علیه السلام نقل می‌کنند: بحار الأنوار (ط - بیروت)؛ ج ۵۷؛ ص ۲۱۶

وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ عِيسَى عَنْ أَيُّوبَ بْنِ يَحْيَى الْجَنْدَلِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوْلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ قَوْمٍ يَدْعُو النَّاسَ إِلَى الْحَقِّ يَجْتَمِعُ مَعَهُ قَوْمٌ كَثِيرٌ الْحَدِيدِ لَا تُزَلُّهُمْ الرِّيحُ الْعَوَاصِفُ وَلَا يَمُوتُونَ مِنَ الْحَرِّ وَلَا يَجُبُّونَ وَعَلَى اللَّهِ يَتَوَكَّلُونَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ [۱]

مردی از اهل قم می‌آید که مردم را به حق دعوت می‌کند و به همراه او اقوامی جمع می‌شوند که مانند تکه‌های آهن هستند بادهای سهمگین آنها را نمی‌لرزاند و از جنگیدن خسته نمی‌شوند و ترسی از آن ندارند بر خدا توکل می‌کنند که عاقبت برای متقین است.

خدای متعال در قرآن وعده‌هایی به مؤمنین داده‌اند که حضرت امام رضوان الله علیه ظرف تحقق بسیاری از این وعده‌های الهی بودند.

در این یادداشت به بعضی از آن وعده‌ها اشاره می‌کنیم.

امام صاحب نفس مطمئنه بود

خدای متعال می‌فرماید: «اللّٰهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا» یعنی الله تبارک و تعالی ولی و سرپرست مؤمنین می‌باشد. امام خمینی یکی از افرادی بود که با تمام وجود به خدای متعال ایمان داشت. ایشان صاحب نفس مطمئنه بود و در وصیت نامه الهی و سیاسی خود فرمود:

«با دلی آرام؛ و قلبی مطمئن و روحی شاد و ضمیری امیدوار به فضل خدا از خدمت خواهران و برادران مرخص، و به سوی جایگاه ابدی سفر می‌کنم.»

پس این وعده الهی در مورد ایشان محقق شد:

يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ﴿٢٧﴾

ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً ﴿٢٨﴾

قَادِئِي فِي عِبَادِي ﴿٢٩﴾

درست است که در روایات سوره فجر را سوره امام حسین علیه السلام می دانند و علت هم همین آیات بیان شده که مورد خطاب به نفس مطمئنه امام حسین علیه السلام است اما این روایات کامل ترین مصداق را بیان می کنند و منافاتی ندارد غیر از حضرت اشخاص دیگری نیز صاحب نفس مطمئنه باشند و به شهادت حضرت امام در وصیت نامه ایشان صاحب نفس مطمئنه بود.

مصداق لا خوف علیهم و لا هم یحزنون بودند:

کسی که دارای نفس مطمئنه است دیگر خوف و حزنی ندارد به همین دلیل خدای متعال در وصف اولیائش می فرماید:

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٦٢﴾

آگاه باشید که اولیا الهی نه خوفی در دل دارند و نه حزنی.

تفاوت بین خوف و حزن اینطور بیان شده است که خوف نسبت به آینده و حزن نسبت به گذشته است یعنی ترس انسان از ضرری که در آینده او را تهدید می کند خوف و نگرانی از فقدان مال یا فرزند و یا آبرو حزن نامیده می شود.

امام رضوان الله تعالی علیه قلبش تکیه بر خدای متعال داشت و از چیزی غیر از خدا نمی ترسید به همین علت در سال ۴۳ پس از بازگشت از زندان در سخنرانی خود در مسجد اعظم فرمودند:

والله من به عمرم، نترسیدم. آن شبی هم که آنها مرا می بردند، آنها می ترسیدند، من آنها را دلداری می دادم.

و در توضیح آن واقعه می فرمایند: اینها ریختند تو خانه، و لگد زدند به درب و درب را شکستند. من به ایشان نهیب زدم که بروید، من خودم می آیم. لباس ها را پوشیدم، بعد آمدم و سوار ماشین شدم. ما در صندلی عقب، وسط نشسته بودیم یک نفر این طرف من نشسته بود، یک نفر آن طرف و اینها مسلح هم بودند، اما در موقع حرکت مشاهده کردم که عجیب مضطربند. کف پای اینها به کف ماشین می خورد که خیلی محسوس بود. من نگاهی کردم به صورتشان و گفتم که: چرا حالتان این جور شده؟ چرا پاهایتان دارد این جور می شود؟ و اینها گفتند: آقا واقعیتش می ترسیم؛ من دست گذاشتم رو پاهایشان. گفتم: من هستم، ناراحت نباشید. من تا با شما هستم، شما مضطرب نباشید.

این حالت برای کسانی که امام را درک کرده اند کاملاً مشهود بود یکی از نویسندگان مسیحی هنگام مراجعت از ایران می گوید: امام خمینی یک طوفان بود، با این همه در نهاد این طوفان یک سکون و آرامش مطلق وجود داشت. در درون او یک حقیقت ساکن و غیر قابل حرکت وجود داشت، ولی همین بی حرکتی باعث حرکت کل یک کشور شد؛ لاقلاً از دیدگاه من، «خمینی» مسیح معاصر ما بود.

این خوف از خدا باعث شده بود که ترس از امام در دل مستکبرین عالم باشد و این وعده الهی را محقق کردند:

مُحَمَّدٌ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْهَيْثَمِ بْنِ وَاقِدٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ: مَنْ خَافَ اللَّهَ خَافَ اللَّهُ؛ مَنْ خَافَ اللَّهَ مِنْهُ كُلَّ شَيْءٍ؛ وَمَنْ لَمْ يَخَفِ اللَّهَ أَخَافَهُ اللَّهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ؛

هر کس از خدا بترسد خدای متعال ترس او را بر دل همه می اندازد.

در اوایل انقلاب چنان ترسی از امام بر دل مستکبرین عالم افتاد که در اتوبان های آمریکا عکسی از امام نصب کرده بودند و در زیر آن نوشته بودند: «برای مبارزه با این مرد با سرعت پایین رانندگی کنید، کنایه از اینکه برای عدم احتیاج به نفت ایران در مصرف بنزین صرفه جوئی کنید. ایشان نسبت به از دست دادن متعلقات خود نیز حزنی نداشت به همین دلیل وقتی خبر شهادت حاج آقا مصطفی را به ایشان دادند فرمودند: «إنا لله و إنا اليه راجعون» و این مصیبت بزرگ را از الطاف خفیه ی الهی دانستند.

امام رضوان الله علیه اهل ذکر بود و دلش به یاد خدا مطمئن بود و این وعده الهی در مورد ایشان مصداق داشت:

ابن وعده الهی بود و امیدواریم مصداق این روایت امام باقر علیه السلام امام خمینی و یاران ایشان باشد. الغیبة للنعمانی؛ النص؛ ص ۲۷۳

أَبِي خَالِدٍ الْكَابِلِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع أَنَّهُ قَالَ: كَأَنِّي يَقُومُ قَدْ خَرَجُوا بِالْمَشْرِقِ يَطْلُبُونَ الْحَقَّ فَلَمَّا يُعْطَوْتَهُ قَدَا رَأَوْا ذَلِكَ وَضَعُوا سِيُوقَهُمْ عَلَى عَوَانِقِهِمْ فَيُعْطُونَ مَا سَأَلُوهُ … وَ لَا يَدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَى صَاحِبِكُمْ فَنَلَّاهُمْ ‏ شُهَدَاءَ أَمَا إِنِّي لَوُ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ لَأَسْتَبْقِيَتْ نَفْسِي لِصَاحِبِ ‏ هَذَا الْأَمْرِ. [۲]

ابو خالد کابلی از امام محمد باقر علیه السلام نقل می کنند: کأن می بی نم قومی از مشرق زمین را که در طلب حق قیام می کنند اما به آن نمی رسند مجدداً تلاش می کنند اما به آن نمی رسند وقتی این حالت را مشاهده می کنند شمشیرهای خود را از غلاف خارج می کنند و روی دوش خود می گذارند ظاهراً این بیان حضرت کنایه از آمادگی صد در صد ایشان برای طلب حق است در این هنگام به هدف خود می رسند و این پرچم را به دست کسی نمی دهند مگر به دست صاحب زمانان کشته های ایشان شهید هستند. بدانید اگر آن زمان را درک کنم جان خود را حفظ می کنم برای صاحب این امر امام زمان علیه السلام.

ان شاء الله روزی پرچم این نظام مقدس توسط رهبر فرزانه انقلاب تقدیم به محضر با عظمت امام زمان علیه السلام شود.

[۱] مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار (ط - بیروت) - بیروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق.

[۲] ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم، الغیبة للنعمانی - تهران، چاپ: اول، ۱۳۹۷ ق.

*استاد حوزه علمیه امام خمینی (ره)